

به خاطر ارسال چند جلد قرآن به آذربایجان، گفتند پورمحمدی خلاف حسن همجواری رفتار می‌کند!

آیت‌الله پورمحمدی با اشاره به فعالیت وهابیان و عوامل صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، از اعمال محدودیت برای شیعیان انتقاد کرد.



به گزارش آران نیوزبه نقل از آناج: در راستای بررسی وضعیت روحانیت و نقش روحانیون ایرانی در شفاف‌سازی مباحث شیعیان آذربایجان گفت‌وگویی با آیت‌الله محمدتقی پورمحمدی داشتیم که در این مصاحبه عضو مجلس خبرگان رهبری از پررنگ‌تر شدن نقش صهیونیست‌ها در مسایل جمهوری آذربایجان ابراز نگرانی کرد. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌بینید:

به خاطر ارسال چند جلد قرآن، گفتند پورمحمدی خلاف حسن همجواری رفتار می‌کند! / آذربایجانی‌ها می‌گفتند ما مجتهد زنده‌ای نمی‌شناسیم تا از آنان تقلید کنیم

آناج: به نظرتان چرا مسایل دینی در جمهوری آذربایجان کمرنگ‌تر شد؟

ما گاهی با قطار برای مسلمانان آن سوی مرز از طریق مسافران قرآن می‌فرستادیم، آقای بانک در آن زمان معاون وزیر امور خارجه آقای ولایتی بودند. با اخبار و نامه‌هایی که سفیر و دیگران رسانده بودند آنها مکتوبی نوشته و در آن به بنده اشاره کرده و گفته بودند: پورمحمدی برخی کارهایی را انجام می‌دهد که بر خلاف حسن همجواری است، در حالی که من تنها قرآن می‌فرستادم. در آن زمان آن‌ها واقعا به یک قرآن احتیاج داشتند، بعد از باز شدن پل مرزی که یکی از خاطره انگیزترین روزهای زندگی من است، مسلمانان از آن سوی مرز وارد شده و حتی برخی زمین را می‌بوسیدند، در آن روز ما حدود 700 تا 800 نفر میهمان از اهالی آذربایجان داشتیم، عده‌ای از آن‌ها را در مسجد جلفا و عده‌ی دیگری را نیز در حسینیه راه آهن سکنی دادیم، تدارکات غذا را نیز قبلا دیده بودیم.

بنده در حسینیه راه آهن از آنان پرسیدم مرجع تقلیدتان کیست؟ اظهار داشتند که تقلیدشان به مرحوم شیخ محمد حسین مقانی یا به فاضل شریبانی است، این علمایی که مطرح می‌شدند نزدیک به 100 سال پیش در نجف بودند، من گفتم این بزرگوران خیلی وقت است که فوت کرده‌اند شما باید اکنون از مرجع تقلید زنده پیروی کنید، گفتند ما مجتهد زنده‌ای نمی‌شناسیم و نام این بزرگواران را نیز از آبا و اجدادمان شنیده‌ایم و از آن‌ها تقلید کرده‌ایم.

یک زمانی بادکوبه از نظر مذهبی قوی‌تر از تبریز بود

آیت‌الله ملکوتی رحمه الله می‌فرمودند زمانی که باد کوبه هزینه‌های حوزه نجف را تامین می‌کرد در آن زمان شاید در تبریز کسانی که خمس می‌پرداختند بسیار کم بودند و شاید عده‌ای اصلا نمی‌دانستند که خمس چیست؟ ولی باد کوبه از نظر مذهبی از تبریز قوی‌تر بود و هزینه‌های حوزه نجف را تامین می‌کرد. بعد از حاکمیت کمونیست‌ها و کشتن روحانیون توسط آن‌ها مانند مرحوم شیخ حسین بیژمویی، مسائل دینی در آذربایجان کم رنگ شد.

ذوق آذربایجانی‌ها از نام برده شدن علمایشان در شبکه بین‌المللی سحر/ عوامل اسرائیل و وهابیت در آذربایجان بسیار فعالند

آناج: از علمای جمهوری آذربایجان و نقش مرجعیت در این کشور اسلامی برآیمن بگویید:

زمانی از شبکه بین‌المللی سحر برای مسلمانان آذربایجان برنامه‌های ماه رمضان پخش می‌شد و بنده این برنامه‌ها را دنبال می‌نمودم، متوجه شدم که در این برنامه‌ها از همه شعرا و ادبا و غیره یاد شد، البته این‌ها هم خوب است ولی از علمای آذربایجان یادی نشد. با مسئول برنامه تماس گرفتم و این موضوع را مطرح کردم، گفتند موضوع بسیار خوبی است منتهی ما از چه کسی در این مورد اطلاعات بگیریم؟ شما آمادگی دارید؟ گفتم بله، علمای آذربایجان را مطرح کرده و نقش‌هایی که ایفا کرده بودند را برشمردم، برای مثال مرحوم شیخ محمد علی اردوبادی یا نخجوانی‌ها و غیره که عده‌ای از آن‌ها شهید شده‌اند، قبر عده‌ای در نجف است و حتی شیخ محمد اردوبادی پس از آن که علامه امینی الغدیر را نگاشته است به درخواست خود علامه امینی آن را از نظر جنبه‌های ادبی اصلاح نموده است، چراکه ایشان خود ادیب بوده‌اند.

بعد از آن عده‌ای از مومنان آذربایجانی تماس گرفته و تشکر نمودند که من از این علما یاد کرده‌ام. در همان سال آقای فاضل مرندی در باکو بودند و در منطقه نارداران منبر داشتند، ایشان پس از بازگشت گفتند که این سخن من تا بسیار زیاد انعکاس یافت. آذربایجان بسیار مهم است ولی متأسفانه به دست بیگانگان افتاده است، عوامل اسرائیل و وهابیت در آن جا بسیار فعالند. متأسفانه می‌بینیم بچه شیعه‌ی ما به مسلک سنی تغییر مسیر داده است؛ من خود در مدینه مشاهده کردم که به زبان ترکی منبر برگزار می‌کنند و

افکار وهابی را بیان می‌نمایند. من در صحبتی که با او داشتم متوجه شدم متأسفانه اهل آذربایجان است.

مسجدی شبیه مسجد کبود را در ایروان داریم/ یک زمانی پایتخت امروزی ارمنستان مسلمان‌نشین بود

یک نوجوان دیگر که اهل گنجه بود به نزد من آمد و من مشاهده کردم که افکار او کاملا عوض شده، به این دلایل رسالت رسانه‌ها در این مسائل اعتقادی و فرهنگی سنگین است و امیدوارم که همه در این رسالت موفق باشید. این به نوعی آگاه سازی مستضعفان فکری می‌باشد؛ مثلا مولا محمد ایروانی که اهل ایروان بود و مرجعیت داشت، در آن زمان مسلمانان را از ایروان بیرون نکرده بودند و ایروان هم مسلمان نشین بود و هم مسیحی نشین، از آثار مسلمانان در ایروان مسجدی مشابه مسجد کبود در آن جاست، این‌ها نشانگر جایگاه مسلمانان است.

تعدادی از مجتهدین تبریزی شبهه علمیت داشتند/ میرزا رضی تبریزی که بود؟

آناج: نظرتان در مورد وضعیت حوزه‌ها و سطح علمی روحانیون ایرانی چیست؟

بنده با جناب حجت الاسلام آل هاشم این موضوع را مطرح کردم و ایشان نیز به آن اشاره‌ای داشتند. زمانی که ما طلبه بودیم 30 تا 35 مجتهد مسلم در تبریز وجود داشت. مانند آقایان انگجی و مولانا و حاج رضا نصر الله شبستری و شریبانی و مدرس و الی ماشالله. در بین این عزیزان سه نفر صاحب رساله بودند، آیت‌الله سید احمد خسرو شاهی، آیت‌الله دین نبوی و میرزا احمد سلطان قرایی. بنده این را به محضر استاد مان آیت‌الله سبحانی عرض نمودم که در آن زمان این گونه بود و ایشان گفتند که در زمان ما این تعداد 5 تن بودند و برخی از آن‌ها شبهه علمیت داشتند، پرسیدم چه کسی بوده که شبهه علمیت نسبت به علمای نجف داشته است؟ گفتند آقای میرزا رضی زوزی در تبریز این چنین بودند. او به نزد آیت‌الله بروجردی در قم مشرف شده و سوالی را از ایشان پرسیده بودند، پس از پاسخ‌گویی ایشان فرع دیگری را مطرح کرده بود و آیت‌الله بروجردی متعجب شده و گفته بودند در تبریز چنین روحانی علمی وجود دارد؟ بعدها آیت‌الله بروجردی بعضی احتیاط‌هایش را به ایشان ارجاع می‌دادند. یعنی در برخی مسائل که بنا به احتیاط فتوای قطعی نمی‌داد به ایشان ارجاع داده و نظر میرزا رضی را می‌خواستند.

در مسجدی که یک روز مجتهد نماز می‌خواند، اکنون طلبه‌ای نماز می‌خواند که شاید بنیه علمی خوبی هم ندارد

یعنی در تبریز چنین علما و مجتهد های علمی وجود داشتند که متأسفانه اکنون چنین نیست. در مسجدی که زمانی یک مجتهد نماز می‌خواند اکنون یک طلبه جوان که شاید بنیه علمی خوبی نسبت به بزرگان نداشته باشد نماز اقامه می‌کند. گاهی در بعضی فردی که روحانی نیست نماز می‌خواند و این نشان گر این است که تبریز در این جهت عقب مانده است. باید در این زمینه همت و تلاش کنیم تا تبریز به جایگاه خود باز گردد، حتی وقتی با شهرهای بزرگ مانند مشهد یا اصفهان و شیراز و اهواز مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که در

این زمینه بسیار کمبود داریم.

ترکی در مرجعیت چنان جایگاهی داشت که عرب زبان‌ها در مجلس درس آیت‌الله خویی می‌نشستند

اولین مرجعی که در نجف به مرجعیت سر و سامان داده است یک آذربایجانی بوده، یعنی مقدس اردبیلی قبل از آن مرجعیت چنان سر و سامانی نداشت و هر کس در منطقه‌ای به عالم خود تقلید می‌کرد. مرحوم مقدس اردبیلی به این موضوع سر و سامان داد و پس از آن زمان‌های بسیاری بوده که حوزه نجف در اختیار آذری‌ها بوده است. حتی در همین اواخر نیز در نجف مرحوم آیت‌الله خویی متصدی امر بودند. ترکی در مرجعیت چنان جایگاهی می‌یابد که عرب زبان‌ها در مجلس درسش بنشینند. برای مثال از خاندان حکیم در مجالس درس و وعظ ایشان شرکت می‌کردند.

در کل این توان در آذربایجان وجود دارد و باید کاری کنیم که حوزه‌های علمیه آذربایجان به جایگاه واقعی خود برسند، برای مثال مولا محمد ابروانی که اهل ابروان بود و مرجعیت داشت، علما در آذربایجان و تبریز بسیارند و چه خانواده‌های بزرگی که خاندان‌های علم هستند، مانند قاضی طباطبایی، انگجی‌ها، مولانا‌ها، مجتهدی‌ها، خسروشاهی‌ها و خاندان‌های دیگر که متأسفانه ما به نوعی از این نعمت‌ها محروم گشته ایم.

ما در تعلیم و تربیت طلبه‌ها اشکال داریم، این که طلبه جوان در پی کسب شهرت و شناساندن خود است یعنی ما مشکل داریم و اگر نه نقلی است که آیت‌الله سید حسن اصفهانی یک عالمی را از نجف به روستای دورافتاده‌ای می‌فرستد، این عالم پس از مدتی به نزد ایشان آمده و می‌گوید: کسی در آن جا به منبر من نمی‌آید و به سخنم گوش نمی‌دهند و وقت من در آن جا تلف می‌شود اگر اجازه می‌دهید به نجف بازگردم، ایشان می‌گویند نه، شما در روز یک بار لباس‌ها یتان را پوشیده و در کوچه‌ها بگردید که شما را ببینند تا اگر کسی مشکل شرعی داشت به سراغ‌تان بیاید، من به این خاطر شما را فرستاده‌ام تا اتمام حجت شود، تا نگویند ما عالمی نداشتیم، این باید نمونه کار ما باشد. اکنون چنین نیست و نشان می‌دهد که ما در جایی مشکل داریم که باید ریشه‌یابی شود و برطرف گردد تا هم از نظر علمی و هم از نظر اخلاقی و شرعی باید پیشرفت کنیم.